



بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور - 5 اردیبهشت/ 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، کارگران عزیز. سلام صمیمی و قلبی خودم را به وسیله‌ی شما حضار محترم به جامعه‌ی کارگری کشور ابلاغ میکنم. ان شاءالله که موفق باشید، مؤید باشید. بنده از این جهت خیلی خرسندم که این «هفته‌ی کارگری» وجود دارد که ما بتوانیم در این هفته با جمع کارگران مواجه بشویم، اقلاً یک تشکر زبانی بکنیم از جامعه‌ی کارگری؛ این فرصت برای ما مغتنم است. بله، تشکر زبانی البته کافی نیست، لکن لازم است. بنده صمیمانه تشکر میکنم از زحمات کارگرانمان، از نجات کارگرانمان، از همت کارگرانمان و ان شاءالله از پیشرفت جامعه‌ی کارگری.

چند نکته را عرض میکنم. این نکاتی که گفته میشود، ممکن است بعضی از این نکات برای شماها روشن باشد، واضح باشد. علت اینکه من تکیه میکنم روی بیان این نکات، این است که اینها باید عرف بشود، به افکار عمومی تبدیل بشود، نگاه عمومی جامعه بایستی به این مطالب توجه پیدا کند. اگر چنانچه یک مطلبی در افکار عمومی به صورت عرف درآمد، فهمیده شد، دانسته شد، پذیرفته شد، آن وقت تحقق آن خواسته آسان خواهد شد، دولتها و مسئولین و همه‌ی دست‌اندرکاران کمک خواهند کرد که آن خواسته برآورده بشود؛ ما میخواهیم این تحقق پیدا کند.

نکته‌ی اول در مورد ارزش کارگر است. خب درباره‌ی ارزش کارگر خیلی صحبت شده، ما هم عرایضی کرده‌ایم، (۲) دیگران هم گفته‌اند، شماها هم میدانید. بالاترین جمله‌ای که در این زمینه میشود گفت این است که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، طبق این روایت، به دست پینه‌بسته‌ی کارگر بوسه زد. (۳) دیگر از این بالاتر چه میشود؟ این ارزش کارگر است. منتها یک نکته‌ای در اینجا هست؛ در دنیا، کشورهای مختلف، ملتها و فرهنگهای مختلف، همه روز کارگر دارند، روز کارگر مال همه‌ی دنیا است، لکن نکته اینجا است که نگاه دنیای مادی به کارگر با نگاه اسلام به کارگر متفاوت است. بله، دنیای مادی هم برای کارگر اهمیت قائل است، لکن چرا؟ چون کارگر یک ابزار است، ابزار تولید ثروت است برای کارفرما؛ نگاه دنیای مادی به کارگر نگاه ابزاری است، مثل پیچ‌ومهره، مثل خود ماشین. اسلام این جور نیست؛ نگاه اسلام به کارگر و ارزشی که برای کارگر قائل است، ناشی است از ارزشی که برای کار قائل است؛ عمل؛ اسلام برای عمل ارزش ذاتی قائل است.

مراد از این تعبیرات «عمل صالح» که در قرآن هست و انواع تعبیرات و تمجیدهایی که از «عمل» در روایات متعدد هست، فقط نماز و روزه نیست؛ «عمل» یعنی همه جور عملی؛ هم عملی که انسان میکند به عنوان عبادت، هم عملی که انسان میکند برای آوردن نان حلال در سفره؛ این هم عمل است، این هم عمل صالح است؛ «إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات» (۴) شامل این عمل هم میشود؛ عنوان «عمل» یک عنوان عامی است. لذا می‌بینید در قضیه‌ی سعدبن معاذ که شهید شده بود، رسول اکرم رفتند داخل قبر، او را گرفتند داخل قبر خواباندند، بعد این لحد را



که درست میکردند، مرتب گفتند گج بدهید، آب بدهید، گل بدهید که [لحد را] محکم کنند؛ خب محکم کردن لحد [برای] چیست؟ خب معلوم است چهار روز دیگر خراب میشود. پیغمبر جواب این سؤال مقدر را داد؛ کسی سؤال نکرده بود، اما یک سؤالی بود که مطرح میشود. پیغمبر جواب داد فرمود بله، ما میدانیم این چند صباح دیگر متلاشی خواهد شد – هم آن بدن، هم آن لحد – لکن خدا دوست دارد که وقتی انسان یک عملی را انجام میدهد، آن عمل را محکم کاری کند، درست انجام بدهد؛ تعبیر روایت این است: **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَقَنَّهُ**. (۵) پس پیدا است که عملی که در لسان روایات هست، شامل این جور عملی هم هست. این [عمل] احترام ذاتی دارد.

لذا در یک روایتی – که این درباره‌ی جامعه است، درباره‌ی اجتماعات بشری است – [آمده]: **مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْهُ قُوَّةً**؛ جامعه‌ای که در آن، کار وجود داشته باشد و عمل انجام بگیرد، قدرت و قوت آن افزایش پیدا خواهد کرد؛ **وَمَنْ يُقَصِّرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْهُ قُتْرَةً**؛ (۶) آن جامعه‌ای و آن فردی که در عمل کوتاهی بکند، سستی او روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. عمل، قوت ایجاد میکند؛ هم در فرد، هم در جامعه؛ عمل [این] جوری است. پس عمل در اسلام ارزش ذاتی دارد. چه کسی این عمل را انجام میدهد؟ شما؛ کارگر. پس کارگر ارزش ذاتی دارد. ببینید، نگاه این نگاه است. نگاه این نیست که اگر این نباشد، جیب من خالی میماند؛ [این نیست که] به عنوان یک ابزار به کارگر نگاه کند؛ اسلام این جور نگاه نمیکند؛ میگویند این دارد عمل میکند و عمل ارزش ذاتی دارد، پس این کارگر هم ارزش ذاتی دارد. بنده این را میخواهم بگویم تا هم شما که کارگر هستید خودتان به ارزش و اهمیت جایگاه کارگری توجه بکنید و تکیه بکنید، هم جامعه‌ی کشور و مردم کشور توجه کنند که کارگر چقدر اهمیت دارد. این یک نکته.

نکته‌ی دوّم در مورد مسئله‌ی امروز کشور است که مسئله‌ی اقتصاد است. یکی از مسائل مهمّ امروز کشور مسئله‌ی «اقتصاد» است؛ لذاست که ما این چندساله، در شعار سال، روی نقطه‌های حسّاس اقتصادی تکیه کرده‌ایم. امسال (۷) هم گفتیم «جهش تولید»، نه «افزایش تولید»؛ «جهش»! جهش چه جوری حاصل میشود؟ با مشارکت مردم. بنده عقیده‌ی راسخ دارم، نظر همه‌ی کارشناس‌های اقتصادی صاحب‌نظر ما هم همین است که اگر مردم وارد میدان اقتصاد بشوند، بخصوص اگر وارد میدان تولید بشوند، تولید جهش پیدا میکند؛ تولید که جهش پیدا کرد، کشور ثروتمند میشود، آحاد مردم ثروتمند میشوند، جیب کارگر پُر میشود، دست کارگر پُر میشود، اشتغال افزایش پیدا میکند، بیکاری کم میشود و مشکلات فراوان کارگری و اقتصادی در کشور از بین میرود. این مسئله‌ی اقتصاد است.

خب حالا در این شعار – «جهش تولید» – رکن جهش تولید چیست؟ کارگر؛ یعنی غیر از آن ارزش ذاتی‌ای که قبلاً در نکته‌ی اوّل عرض کردم، نکته‌ی دوّم این است که در شعار امسال و در سیاست کلی‌ای که امسال باید دنبال بشود و مسئولین کشور بحمدالله دارند دنبال میکنند و جلسه میگذارند، بحث میکنند، راه‌حل ان شاءالله پیدا میکنند، نقش کارگر یک نقش برجسته است؛ یعنی نقش یک کارگر ماهر و باروحيه و پُرانگیزه، در جهش تولید، یک نقش انکارناکردنی و غیر قابل انکار است، نقش مهمّی دارد. اگر بخواهیم درست عرض بکنیم، میگوییم [نقش] کارگر و کارآفرین. کارآفرین هم مهم است؛ او هم باید باشد تا کارگر بتواند کار کند. کارگر و کارآفرین دو همکارند در خطّ مقدّم نبرد اقتصادی. امروز ما دچار یک نبرد اقتصادی هستیم دیگر؛ جنگ اقتصادی است؛ این جنگ هم مثل جنگ هشت‌ساله‌ی اوّل انقلاب جنگ تحمیلی است؛ آن جنگ نظامی تحمیلی بود، این جنگ اقتصادی تحمیلی است. آمریکا یک جور، کشورهای همراه آمریکا یک جور، با ایران اسلامی، با جمهوری اسلامی، در واقع دارند می‌جنگند؛ جنگ اقتصادی است. در این جنگ اقتصادی‌ای که ما داریم، خطّ مقدّم و جبهه‌ی جلویی خطّ، متعلق به کارگر و کارآفرین است؛ [نقش] اینها این است. (۸) ولی نظر من این قسمت قضیه نبود؛ نظرم این است که شما که دارید



با آمریکا مبارزه میکنید، قدر کار خودتان را بدانید؛ یعنی کارگر و کارآفرین در خط مقدم این مبارزه هستند. هرچه شما خوب کار کنید، هرچه به خوب کار کردن شما کمک بشود - که حالا بعداً عرض خواهم کرد - در این نبرد اقتصادی مؤثر است. این هم نکته‌ی دوم.

نکته‌ی سوم این است که یک وظایفی در اینجا وجود دارد؛ هم یک وظایفی است که بر عهده‌ی دولت و مسئولین است در قبال کارگر - کارهایی را برای کارگر باید انجام بدهند - هم یک وظایفی است بر عهده‌ی خود کارگر؛ یعنی دو طرف وظایفی دارند که بایستی انجام بدهند. من حالا یک اشاره‌ای به این وظایف میکنم. اولاً این را همه توجه داشته باشند که بهبود حال جامعه‌ی کارگری تأثیر بزرگی در بهبود حال کل جامعه دارد. آن طور که حالا به من گزارش کرده‌اند، ما در حدود چهارده میلیون کارگر داریم که اگر با خانواده‌هایشان حساب کنیم، بیش از چهل و چند میلیون انسان میشوند؛ خب چهل و چند میلیون یعنی نصف جمعیت کشور. اگر تلاشی انجام بگیرد، کاری انجام بگیرد که حال جامعه‌ی کارگری خوب بشود، معنایش این است که حال نصف جامعه‌ی کشور خوب شده؛ این چیز خیلی مهمی است. حالا این وظایفی که اینجا وجود دارد که من بعضی از آنها را یادداشت کرده‌ام، عرض بکنم.

مسئله‌ی اول که یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه‌ی کارگری است و وزیر محترم (۹) هم اینجا هستند، مسئولین کشور هم می‌شنوند، مسئله‌ی امنیت شغلی است. «امنیت شغلی» یعنی اینکه کارگر به آینده‌ی کاری خودش اطمینان داشته باشد. ما در یک دوره‌ای مبتلا شدیم به تعطیلی کارخانه‌جات بزرگ و احیاناً سابقه‌دار. خب یک کارخانه‌ی بزرگ که تعطیل میشود، گاهی اوقات چند هزار کارگر بیکار میشوند؛ این چیز خیلی مهمی است. خب حالا بحمدالله در این یکی دو ساله، به همت مسئولین، خیلی از کارگاه‌های تعطیل شده راه افتاد. آن طور که به من گزارش کرده‌اند، نزدیک به ده هزار کارخانه که تعطیل یا نیمه‌تعطیل بود، احیا شد، زنده شد؛ این کار باید ادامه پیدا کند. انواع و اقسام روشها برای امنیت شغلی برای کارگران بایستی فراهم بشود. بنابراین، مسئله‌ی امنیت شغلی یکی از وظایفی است که بر عهده‌ی مسئولین است که کارگری که حالا با قناعت و با نجابت مشغول کارش است، لاقلاً بداند که آینده‌ی شغلی‌اش تضمین شده است و مشکلی برایش پیش نمی‌آید.

یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی بیمه‌ها است که وزیر محترم اشاره کردند؛ مسئله‌ی بیمه‌ها خیلی مهم است. سیاستهای کلی تأمین اجتماعی که شامل کارگر و غیر کارگر میشود، مدتها پیش ابلاغ شده، (۱۰) رئیس‌جمهور محترم (۱۱) هم دستور داده که آئین‌نامه‌هایش تهیه بشود؛ منتها آن طور که به بنده گزارش کرده‌اند، تا حالا کارهایی که باید انجام بگیرد، درست و کامل انجام نشده.

یک مسئله‌ی مهم، ایمنی نیروی کار است؛ نیروی کار بایستی در محیط کار دچار آسیب نشود. ایمنی نیروی کار خیلی مهم است. یکی از نیازهای مهم کارگر که وظیفه‌ای را در مقابل مسئولین دولتی و صاحبان کارگاه‌ها و بیشتر، دولت و امثال اینها قرار میدهد، نیاز به مهارت است. کارگر آماده است کار کند، [منتها] یک جاهایی احتیاج دارد به مهارت بیشتر. این مهارت‌افزایی و دانش‌افزایی در مورد کار، خیلی به پیشرفت کار کمک میکند؛ هم به نفع کارگر است، هم به نفع کشور است. این مهارت‌افزایی هم که توانمندسازی نیروی کار است - نیروی انسانی از لحاظ مهارت کاری توانمند بشود - یکی از [وظایف] اینها است.

از همین باب، مسئله‌ی جستجوی استعدادهای درخشان است. در بین جامعه‌ی کارگری، گاهی استعدادها



برجسته‌ای وجود دارد که ابتکارهایی به ذهنشان میرسد؛ اگر چنانچه دستگاه‌های ذی‌ربط اینها را شناسایی کنند، استعدادها را پیدا کنند، به اینها میدان بدهند، مجال بدهند که بتوانند نوآوری و خلاقیت بکنند، به نظر من وضع جامعه‌ی کارگری و وضع کار در کشور بسیار پیشرفت خواهد کرد.

البته بعضی از این وظایفی که عرض کردیم، بر عهده‌ی دستگاه‌های دولتی است، مثل وزارت کار یا حتی دستگاه‌های آموزشی و مراکز آموزشی. بنده مکرر به وزارت آموزش و پرورش در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای توصیه کرده‌ام؛ (۱۲) این به نیروی کار و مهارت‌افزایی آنها خیلی کمک میکند. حالا نظر بعضی‌ها این است که شاید لازم باشد و ممکن باشد که در دانشگاه‌ها، در مدارس، در آموزش و پرورش، در کنار درسهای نظری، آموزشهای عملی هم داده بشود و حتی شناسه بدهند، مدرک تحصیلی بدهند تا شایستگی و صلاحیت کار در یک کارگر، در یک جوان که اینجا مثلاً تحصیل فنی کرده، معلوم بشود و بتواند کار کند. این هم یک مسئله‌ی دیگر است که عرض کردیم بعضی از اینها بر عهده‌ی دولت است، بعضی هم بر عهده‌ی خود مدیران بنگاه‌های تولیدی است. اگر چنانچه این وظایف انجام بگیرد، به نظر ما جامعه‌ی کارگری ارتقاء پیدا میکند؛ اینها وظایفی است در قبال جامعه‌ی کارگری.

خود جامعه‌ی کارگری هم وظایفی دارند. در اسلام این جور است دیگر؛ هر کسی که حقی بر شما دارد، شما هم حقی بر او دارید؛ حقوق، متقابلند. حق بر شما مستلزم این است که شما هم حقی داشته باشید؛ اگر شما بر کسی حق دارید، او هم بر شما حقی دارد. این حقوق، متقابل است. یک وظیفه‌ی کارگر این است که کار را ارزش بداند. توصیه‌ی جدی من به جامعه‌ی کارگری این است: شما که کارگر هستید، مشغول کار هستید، بدانید که دارید ارزش‌آفرینی میکنید. مسئله فقط این نیست که «کار میکنیم، نان حلال سر سفره میبریم»؛ البته این هست، اما فقط این نیست. شما کار که میکنید، دارید کشور را آباد میکنید. کار شما موجب آبادی کشور است. کشور که آباد شد، آبرو و سرافرازی به وجود می‌آید، کشور قدرتمند میشود. خواندم روایت را که اگر کار انجام گرفت، کار برای کشور قوت می‌افزاید. بنابراین، کار شما دو جنبه دارد: یک جنبه‌ی شخصی، یک جنبه‌ی عمومی؛ خب این خیلی ارزش دارد. خود شما به ارزش کار توجه کنید.

دوم اینکه کار را امانت بدانید؛ این وظیفه‌ای که به شما سپرده شده، امانتی است دست شما. سوم اینکه کار را محکم انجام بدهید، متقن انجام بدهید، کار سرهم‌بندی نشود، که البته بنده روی این مسئله بارها در گذشته تکیه کرده‌ام، مثالهای متعددی زده‌ام، [لذا] نمیخواهم تکرار کنم. (۱۳) انضباط در محیط کار، احساس مسئولیت نسبت به کار، اینها همه وظایف کارگری است.

اینکه میگوییم «کار را ارزش بدانیم»، مخصوص خود جامعه‌ی کارگری نیست؛ همه‌ی مردم باید کار را ارزش بدانند. [این کار] دو فایده دارد: یک فایده این است که [جامعه] به کارگر به چشم یک موجود ارزشمند نگاه میکند. وقتی که جامعه کار را ارزش دانست، کارگر را - هر کارگری؛ کارگری که روی ماشین کار میکند، کارگری که روی زمین کار میکند، کارگری که در ساختمان کار میکند؛ آن که اصطلاح «کارگر» بر او صادق است - یک موجود ارزشمند به حساب می‌آورد. دوم اینکه خود آن آدم هم میل به کار پیدا میکند. ما یک تعداد جوان داریم در کشور، متأسفانه جوانان اما هیچ میلی به کار ندارند، دنبال کار هم نمیروند؛ نه آموزش کار می‌بینند، نه جستجوی کار میکنند. بعضی‌ها را هم داریم که دنبال کار هستند، منتها کار را فقط پشت میزنشینی میدانند، دنبال آن هستند؛ در حالی که پشت میزنشینی اولاً همیشه کار نیست، بعضی اوقات بیکاری است، وانگهی حالا آنجایی هم که کار محسوب بشود،



منحصر به پشت‌میزنشینی نیست. بنابراین، جوانها باید در فرآیند تولید در کشور نقش بیافرینند، نقش آفرینی کنند؛ این، آن وقتی انجام میگیرد که احساس بشود که کار ارزشمند است.

یک نکته‌ی دیگر در مورد مسئله‌ی مشارکت مردم در تولید است که خب ما گفتیم «جهش تولید با مشارکت مردم». «مشارکت مردم» چه جوری [حاصل] میشود؟ این سؤال است دیگر. حالا یک نفری فرض کنید که مایل است در جهش تولید شرکت کند؛ چه جوری شرکت کند؟ چه کسی باید به او یاد بدهد؟ حرف من این است. یکی از وظایف مهم مسئولین این است که بنشینند زمینه‌های حضور مردم و مشارکت مردم در تولید را، در کار تولیدی را تبیین کنند و زمینه‌ها را آماده کنند. حالا مثلاً یکی‌اش تعاون است – ایجاد شرکتهای تعاونی تولید – یکی‌اش کمک به کارهای خانگی است؛ یکی کمک به کارهای دستی است؛ یکی کمک به ایجاد شرکتهای دانش‌بنیان است. البته دولت میتواند از صاحب‌نظران اقتصادی که در دولت بحمدالله هستند و در خارج دولت هم هستند، استفاده کند؛ اینها میتوانند راه‌های فراوان دیگری را ارائه بدهند که [موجب] مشارکت مردم باشد؛ مشارکت در زمینه‌ی مسائل صنعتی، مسائل خانگی، صنایع دستی، مسئله‌ی کشاورزی، مسئله‌ی دامداری؛ در همه‌ی اینها مردم میتوانند مشارکت کنند؛ راهش باید به مردم نشان داده بشود، زمینه‌ی مشارکت مردم فراهم بشود، بحث مشارکت مردم آسان‌سازی بشود.

البته یک نکته‌ی دیگر هم هست که مربوط به دولت است، [و آن اینکه] اعتبارات بانکی هم به سمت تولید هدایت بشود، که امروز البته این جور نیست. اعتبارات بانکی و تسهیلات بانکی باید بیشتر به سمت تولید هدایت بشود؛ مسئولین بانکی باید به این توجه کنند.

نکته‌ی آخر مربوط به تحریمها است. خب ما وقتی راجع به مسائل اقتصادی صحبت میکنیم، نمیتوانیم راجع به تحریمها بی‌تفاوت باشیم. ما سالها است با تحریمهای شدید مواجهیم؛ تحریمهایی که خود تحریم‌کننده‌ها، یعنی عمدتاً آمریکایی‌ها و به تبع آنها بعضی از اروپایی‌ها، گفتند این تحریمهایی که نسبت به ایران انجام گرفته در تاریخ بی‌سابقه است! خودشان گفتند. خب، اولاً هدف از این تحریمها چیست؟ آنها یک اهدافی را ذکر میکنند، [ولی] دروغ میگویند؛ هدف، اینها نیست. بحث انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، بحث سلاح هسته‌ای را مطرح میکنند، بحث حقوق بشر را مطرح میکنند؛ مسئله اینها نیست. [میگویند] ما ایران را تحریم میکنیم به خاطر اینکه از تروریسم حمایت میکند! «تروریسم» چیست؟ مردم غزه! مردم غزه از نظر آن حضرات تروریستند! یک دولت خبیث جعلی غاصب بی‌رحمی، در ظرف شش ماه، نزدیک چهل هزار آدم را که چند هزار نفرشان کودکند، به قتل میرساند، قتل عام میکند، [اما] او تروریست نیست، و آن مردمی که زیر بمباران او هستند تروریستند! پس این بهانه‌ها، بهانه‌های دروغین است؛ هدف از تحریم، این مسائل نیست.

هدف از تحریم در تنگنا گذاشتن ایران اسلامی است. میخواهند جمهوری اسلامی ایران را با تحریم در تنگنا بگذارند؛ که چه بشود؟ که از خطوط استعماری و استکباری آنها تبعیت کند، تسلیم خواسته‌های زورمدارانه و توقعات قدرت‌طلبانه‌ی آنها بشود، سیاستهایش را تابع سیاستهای آنها بکند؛ هدف این است. حالا بعضی خیرخواهانه – نظرشان خیرخواهی است ان‌شاءالله – مدام توصیه میکنند که «خب آقا با آمریکا مثلاً فلان [توافق] را کنید، یک چیزی میگویند گوش کنید!» خب توقعات آنها که تمامی ندارد؛ توقعات آمریکا که تمامی ندارد. چند سال قبل از این، همین جا داخل حسینیه راجع به مسائل هسته‌ای صحبت بود، بنده در صحبت عمومی (۱۴) گفتم آمریکایی‌ها مشخص کنند چه اندازه عقب‌نشینی هسته‌ای اگر انجام بگیرد، آنها قانع میشوند؛ حاضر نیستند مشخص کنند؛



معلوم است. قدم به قدم می‌آیند تا میرسند به آنجایی که در یک کشور آفریقایی شمال آفریقا اتفاق افتاد؛ (۱۵) یعنی تمام وسایل هسته‌ای را جمع کنیم. یک کشور احتیاج دارد به انرژی هسته‌ای [برای] مداوای هسته‌ای و درمان هسته‌ای - از این پیشرفتهای هسته‌ای، صدها کار لازم در کشور انجام میگیرد - همه‌ی اینها باید تعطیل بشود؛ آنها این را توقع دارند. در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اقتصادی، در تدابیر کلی کشور، آنها تبعیت محض میخواهند. میگویند اصلاً در مقابل ما تسلیم بشوید؛ همان وضعی که بعضی از دولتها دارند که می‌بینید، میدانید؛ ثروتشان در اختیار آنها، آبرویشان در دست آنها، سیاستشان دنباله‌روی از آنها؛ آنها این را میخواهند. خب معلوم است که نظام اسلامی، غیرت اسلامی، ملت بزرگ و باسابقه‌ی اسلامی محال است که تسلیم یک چنین زورگویی‌ای بشود. بحث تحریم‌ها این است.

البته بله، تحریم‌ها به اقتصاد کشور صدمه میزند؛ در این شکی نیست، در این تردیدی نیست؛ یعنی بخشی از مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها است؛ در این تردید نیست؛ لکن یک نکته‌ای در کنار این وجود دارد و آن اینکه همین تحریم‌ها موجب شکوفایی استعدادها در درون کشور میشود، همین تحریم‌ها موجب بروز ظرفیتهای کشور میشود. ما امروز بسیاری از چیزهایی را که مجبور بودیم با هزینه‌ی گزاف از دولتهای خارجی - بعضی‌شان دشمن - تهیه کنیم و وارد کنیم، در داخل کشور میسازیم؛ چرا؟ برای خاطر اینکه مجبور شدیم؛ آنها به ما نفروختند، آنها راه را بستند، ما به خودمان مراجعه کردیم، در درون خودمان رشد کردیم. جوان ما و دانشمند ما توانست آن وسیله‌ای را که آنها با ملت و با قیمت گران به ما میفروختند، با قیمت ارزان در داخل تولید کند. یک ملت زنده این جور است؛ یک ملت زنده از دشمنی دشمن هم برای خودش فرصت درست میکند.

این توصیه‌ی همیشگی ما است به جوانان عزیزمان، به مسئولان محترممان، به مردان و زنان غیور و متدینمان: از دشمنی دشمن برای خودتان فرصت درست کنید. حالا یک نمونه‌اش همین مسئله‌ی تسلیحات و پیشرفتهای تسلیحاتی است؛ دشمنان را متعجب کرد که ایران در بحبوحه‌ی تحریم بتواند سلاح پیشرفته، آن هم با این تعداد، به وجود بیاورد! بله، میتواند؛ بیشتر از این هم میتواند، بهتر از این هم میتواند، ان شاء الله پیشرفته‌تر از این هم میتواند. فقط هم سلاح نیست؛ حالا سلاح، خودش را یک جا نشان داد. (۱۶) در خیلی زمینه‌ها همین جور است؛ ما امروز در زمینه‌ی پزشکی، در زمینه‌ی سلامت، با همه‌ی گرفتاری‌هایی که وجود دارد، با همه‌ی تحریم‌ها، جزو پیشتازان هستیم. مسئله‌ی پزشکی ما در منطقه‌ی خودمان که شاید نظیری نداشته باشد، در دنیا هم پزشکی‌مان جزو موارد برجسته است. در زمینه‌های صنعتی همین جور، در بخشهای گوناگون مهندسی همین جور. در یک جاهایی هم البته عقیم؛ [اگر] همّت کنیم، در همه‌ی جاها پیشرفت خواهیم کرد.

حالا دشمن با بهانه‌ی تروریسم و امثال اینها ما را تحریم میکند؛ این تحریم‌ها هم اثرش بتدریج دارد کم‌رنگ میشود؛ چند سال تحریم کردند، دیدند فایده‌ای ندارد. منابع معتبر جهانی میگویند رشد تولید ناخالص ملّی ایران در این سال، از سال قبل بیشتر است؛ خب چرا بیشتر است؟ چون بیشتر کار میکنند، چون بهتر کار میکنند، چون تحریم‌ها آنها را از پا در نمی‌آورد، چون دل به کمک بیرون از کشور و بیرون از مرزها نمی‌بندند. این را باید تقویت کرد؛ این روحیه را بایستی در کشور افزایش داد.

به این حرفهایی که آنها بگویند «آقا شما طرفدار تروریسم هستید» [اهمّیت ندهید]. به جبهه‌ی مقاومت میگویند تروریسم! میگویند شما چرا از فلسطین حمایت میکنید. حالا امروز همه‌ی دنیا دارند از فلسطین حمایت میکنند؛ در



خیابانهای کشورهای اروپایی، در خیابانهای واشینگتن و نیویورک، مردم راه می‌افتند از فلسطین حمایت میکنند و به نفع فلسطین شعار میدهند؛ مخصوص ما که نیست. [میگویند] از حزب الله [لبنان] چرا حمایت میکنید. یک موردی را نشان دادند که پرچم حزب الله را در یکی از خیابانهای یکی از شهرهای آمریکا بلند کرده‌اند؛ مردم دارند در دنیا از اینها حمایت میکنند؛ اینها مقاومتند، اینها غیرتند، اینها ضدّ ظلمند. فلسطینی دارد از خانه‌ی خودش دفاع میکند؛ خانه‌ای که غصب شده، خانه‌ای که بزور از او گرفته شده. شهرک‌نشین به پشتیبانی پلیس خبیث رژیم صهیونیستی می‌آید باغ طرف را، مزرعه‌ی طرف را، خانه‌ی مسکونی طرف را با بولدوزر صاف میکند، برای اینکه آنجا شهرک بسازد، [در حالی که] فلسطینی دارد از خانه‌ی خودش دفاع میکند؛ او تروریست است؟ جبهه‌ی مقاومت تروریست است؟ تروریست آن کسی است که اینها را بمباران میکند، در این فاجعه‌ای که اینها آفریده‌اند؛ البته به جایی هم نرسیده‌اند و به جایی هم نخواهند رسید.

علی‌ای‌حال، برای ملت ما معلوم باشد - و معلوم است برای ملت - که دشمنی با ملت ایران، به خاطر این مسائلی که اینها میگویند و دروغهایی که سر هم میکنند نیست؛ دشمنی به خاطر این است که ایران کشور مستقلی است، زیر بار آنها نمیرود، زورگویی‌شان را قبول نمیکند، حاضر نیست دنباله‌رو سیاستهای این و آن باشد، آن هم سیاستهای شکست‌خورده. امروز خود این قدرتهای به‌اصطلاح برجسته‌ی عالم، اعتراف میکنند که در حال شکستند. من یک خبری دیدم از یکی از مجلات آمریکایی - مال همین دو سه روزه است - که میگوید اعتباری که آمریکا در ظرف دو بیست سال به دست آورده بود، در ظرف بیست سال دارد از دست میدهد و از دست داده. این را خود آنها میگویند؛ مجله‌ی معتبر آمریکایی مینویسد این را؛ ما که نمیگوییم. حالا همین سیاست عقب‌مانده‌ی شکست‌خورده‌ی ناکام خلاف فطرت بشری و خلاف همه‌ی ارزشهای الهی و انسانی، توقع دارد که یک ملت مستقلی مثل ایران - ملتی با سابقه، ریشه‌دار و متمدن - بیاید از سیاستهای او پیروی کند! خب معلوم است که نمیشود.

ملت ایران ایستاده و محکم است. و این استحکام را در عمل باید نشان بدهیم، در کار باید نشان بدهیم، در تحصیل علم باید نشان بدهیم، در تحقیقات باید نشان بدهیم، در اتحاد ملّی‌مان باید نشان بدهیم. اگر این شد، آن وقت سختی‌ها و گرفتاری‌ها هم در دل خود، گشایش به ما ارائه خواهند داد. سختی تحمیلی - آن سختی‌ای که دشمن تحمیل میکند - در دل خود، فرصت و گشایش دارد؛ مشروط بر اینکه ما تنبلی نکنیم، مشروط بر اینکه ما کاهلی نکنیم. بحمدالله ملت زنده است و ظرفیت زنده‌تر بودن در کشور ما وجود دارد؛ اگر ان‌شاءالله در همین جهت [پیش] برویم، به توفیق الهی، افق روشن آینده قابل دسترسی است و ملت ایران ان‌شاءالله [به آن] خواهد رسید.

امیدواریم خداوند شما ملت ایران را و همه‌ی جامعه‌ی مؤمن کارگری را حفظ کند و شما را بر دشمنانتان پیروز کند و روح شهدا را از ما راضی کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، آقای سیدصورت مرتضوی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) گزارشی ارائه کرد.

۲) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور به مناسبت هفته‌ی کارگر (۱۴۰۱/۲/۱۹)

۳) اسدالغابة، ج ۲، ص ۱۸۵

۴) از جمله، سوره‌ی شعرا، آیه‌ی ۲۲۷؛ «مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند...»



- ۵) نهج الفصاحه، ص ۳۰۵
- ۶) غررالحکم، ص ۵۹۰ (با اندکی تفاوت)
- ۷) اشاره به شعار سال ۱۴۰۳: «جهش تولید با مشارکت مردم»؛ ر.ک: بیانات به مناسبت آغاز سال جدید (۱۴۰۳/۱/۱)
- ۸) شعار حضار: «مرگ بر آمریکا»
- ۹) وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ۱۰) ابلاغ سیاستهای کلی تأمین اجتماعی (۱۴۰۱/۱/۲۱)
- ۱۱) حجّت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی
- ۱۲) از جمله، بیانات در دیدار معلمان (۱۴۰۲/۲/۱۲)
- ۱۳) از جمله، بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی به مناسبت هفته‌ی کارگر (۱۳۹۹/۲/۱۷)
- ۱۴) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار (۱۳۹۲/۸/۱۲)
- ۱۵) دولت لیبی (به رهبری معمر قذافی) به خاطر آنچه عادی‌سازی روابط خود با غرب و آمریکا عنوان میکرد، اعلام کرد که تمامی توانمندی هسته‌ای خود را کنار میگذارد و این کار را انجام داد.
- ۱۶) اشاره به عملیات «وعده‌ی صادق»